



## آشنایی کودکان پیش دبستانی با فرهنگ و زیست بوم محلی خویش:

### راهکاری برای هویت یابی ایرانی - اسلامی

رحیم روح بخش

کارشناس مسئول شورای عالی آموزش و پرورش  
roohbakhsh1965@yahoo.com

#### چکیده

در یک تقسیم بندی از مراحل هویت یابی افراد، می توان از چهار مرحله هویت: فردی، محلی، ملی و جهانی سخن گفت. به نظر می رسد اگر هویت یابی فردی را خاص دوران نوزادی و کودکی فرد در خانواده تلقی کنیم، هویت یابی محلی را می توان از همان آغاز ورود کودک به اجتماع به خصوص مراکز تربیتی - آموزشی یعنی دوره پیش دبستانی در نظر گرفت. به درستی می توان ادعا کرد که لازمه نیل به هویت ملی فرزندان این مرز و بوم، هویت یابی محلی آنان است. یعنی اینکه کودکان در گام نخست باید با فرهنگ و هویت محلی و بومی خود آشنا شوند، تا در مراحل بعدی رشد به هویت ملی دست یابند. محیط مراکز پیش دبستانی به علت ماهیت آموزشی گروهی از یک سو و تسهیل دسترسی به نمادهای فرهنگی تاریخ و هویت محلی و بومی هر شهر و دیار از سوی دیگر، می تواند شرایط مطلوب نیل به این مقصود را فراهم سازند. با این احوال این پرسش بنیادین باقی می ماند که علی رغم این ظرفیت ها، از چه راهکارهایی می توان کودکان را در دوره پیش دبستانی نسبت به فرهنگ و هویت محلی و بومی خود آشنا ساخت؟ این مقاله از نوع توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه ای حاکی است که با باز دیدهای گروهی کودکان پیش دبستانی از آثار تاریخی و اماکن مذهبی شهرهای مربوطه، شرکت جمعی در جشن های محلی، حضور در مراسم های مذهبی، می توان نسبت به آشنایی اجمالی آنها از تاریخ و فرهنگ بومی خود یاری رساند و آنها را نسبت به آیین ها، رسوم و سنت های دیار خویش آگاه کرده و زمینه هویت یابی ایرانی - اسلامی آنان را فراهم کرد. بر این اساس ادارات کل آموزش و پرورش هر استان می توانند با آموزش و آگاه سازی مربیان مراکز پیش دبستانی نسبت به جایگاه و اهمیت فرهنگ بومی و محلی شهر و دیار خود، از ظرفیت های زیست بوم فرهنگی هر استان یا شهر مربوطه برای هویت یابی محلی کودکان بهره گیرند.

کلیده واژه ها: فرهنگ، هویت محلی، آثار تاریخی، کودکان، پیش دبستانی

#### مقدمه

یکی از چالش های بزرگ نسل جوان امروز جامعه ما، چالش هویتی است. نمی توان تردید داشت که نسل امروز از نظر هویتی نسبت به نسل های پیشین و حتی نسل قبل همگرایی هویتی کمتری دارد. به نظر می رسد دستگاه رسمی فرهنگی از جمله نظام آموزش و پرورش در انتقال آموزه های هویتی دچار ناتوانی شده است. به گونه ای که یک دانش آموز مقطع متوسطه بعد از اتمام تحصیلات دبیرستانی، از نگرش و انسجام هویتی مطلوبی برخوردار نیست. اگر نگوئیم بخشی از دانش آموزان دچار بی هویتی شده



اند، می توان ادعا کرد که آنان در تعلق خاطر به هویت ایرانی به عنوان برآیند و ترکیب هویت های ملی و مذهبی ناتوان عمل می کنند. البته ناگفته پیداست که نه تنها نسل جوان ایران بلکه جوانان سایر جوامع نیز در معرض بحران های هویتی قرار دارند.

به هر حال واقع امر این است که یکی از رسالت های آموزش و پرورش تربیت نسلی است که بتواند با حفظ هویت ایرانی خویش در جامعه جهانی متکثر و متنوع ایفای نقش کند. تحقق این امر مستلزم فراهم آوردن زمینه هویت پذیری متوازن و متعادل همه مولفه های هویتی است. آموزش و پرورش به عنوان یک نهاد اجتماعی می تواند به واسطه کتب درسی ضمن انتقال موارث هویتی جامعه به نسل آینده، آنان را برای زندگی در فردا آماده سازد. یکی از عوامل موثر در فرایند هویت یابی دانش آموزان، چگونگی تبیین نگرش هویتی در مراکز آموزشی اعم از مهدکودک ها، مراکز پیش دبستانی و مدارس باشد. این آموزش می بایست ضمن برخورداری از جامعیت لازم، از توازن و سازگاری مطلوب نیز برخوردار باشد. ناگفته پیداست که تقویت هویت امروز کودکان، نیازمند تبیین صحیح و جامع تاریخ گذشته و پیوند آن با جامعه امروز است. از این روی در این تبیین بایسته است رابطه ای اثر بخش و پایدار بین هویت های ملی و مذهبی از یک سو و هویت های فردی، محلی، ملی و جهانی از سوی دیگر برقرار گشته، به طوری که از تلفیق عناصر سازنده هویت های مذکور، بتوان به یک هویت ایرانی دست یافت. در واقع با ترکیب متوازن هویت های مذکور می توان، هویت ایرانی را تقویت کرد.

الف- هویت ایرانی - اسلامی، برآیند هویت های چهار گانه:

برخی صاحب نظران با عنایت به تنوع و تکثر اقوام و مذاهب در ایران از «ساختار موزاییکی جامعه ایران» سخن گفته و تاکید نموده اند که برای بازشناسی احوال جامعه ایران بایسته است «موزاییک های متنوع و رنگارنگ قومی، زبانی، اجتماعی و سیاسی» را شناخت (اکبری، ۱۳۸۴: ۲۷) این شناخت می تواند گام نخست برای هویت یابی افراد تلقی شود. موضوع هویت در واقع همان پاسخ به پرسش کیستی است. هویت عبارت است از احساس و آگاهی و شناخت از خود، آگاهی انسان از وجود و شخصیت و ویژگی های خود از جمله تفاوت های او با سایر موجودات زنده است. به نظر می رسد این هویت در گذر زمان طولانی تاریخ ایران رشد و تعالی یافته و در خلال منازعات و چالش های بیرونی و درونی صیقل می یابد. بر این اساس می توان هویت ایرانی امروزی را در چهار سلسله مراتب هویتی: فردی، محلی، ملی و جهانی به شرح ذیل تعریف کرد:

#### ۱- هویت فردی:

هویت فردی شامل دو بخش ویژگی های جسمانی و روانی است. ویژگی هایی مانند جنسیت، قد، وزن، سن، گروه خونی و ... هویت جسمانی را تشکیل می دهند. این ویژگی ها مربوط به بدن و خلقت طبیع یم هستند. ویژگی های اخلاقی و روانی همان ویژگی های غیر جسمانی هستند مانند صبر بودن، زود رنج بودن، داشتن پشتکار و اراده، امیدوار بودن، لجوج بودن، به هنر علاقه داشتن و ... ویژگی های جسمانی افراد بر خصوصیات روانی آنها اثر می گذارد برای مثال بیمار یا یا خمتلالات جسمی تاثیرات نامطلوبی بر سلامتی روانی انسان دارند. از سوی دیگر ویژگی های اخلاقی و روانی نیز می توانند بر جسم ما تاثیر بگذارند برای مثال افراد خوش بین و امید وار و پرتلاش نسبت به آدم هیا بد بین و منفی باف یا تنبل سلامت جسمانی بیشتری دارند.



## ۲- هویت محلی:

هویت محلی خاستگاه، ریشه بنیاد اساسی هویت هر انسانی را تشکیل می دهد. آموزش این هویت با عنایت به ظرفیت های تاریخی، فرهنگی ریشه دار بومی کشور ما به خصوص در شرایط سلطه تبلیغاتی و گفتمانی فرهنگی غرب می تواند سد محکمی در تقابل با بی هویتی نسل جوان باشد. هویت محلی را می توان در تاریخ، جغرافیا، ادبیات و به طور کلی فرهنگ مادی و معنوی ایالات و ولایات جستجو کرد.

## ۳- هویت ملی:

در نگاه کلان بین المللی هویت ملی جامع ترین و گسترده ترین هویت هاست. هویت ملی، احساس تعلق یک ملت به مجموعه ای از نمادها، هنجارها، ارزش ها و عقاید و ... است که در سرزمینی مشخص و طی نسل های متوالی پدید آمده اند. بنابراین هویت ملی، ریشه در فرهنگ و تاریخ یک ملت دارد. به تعبیر دیگر هویت ملی ما بر ایرانیت و گذشته تاریخ این مرز و بوم در قالب یک تمدن دیرینه استوار است. به طوری که در یک تقسیم بندی کلی این هویت خود در سه دوره ایران اسطوره ای - باستانی، ایران دوره اسلامی و ایران معاصر قابل تقسیم بندی است. از همین روی به هویت ملی، هویت ایرانی - اسلامی نیز اطلاق می شود.

## ۴- هویت جهانی:

امروزه با عنایت به گسترش ابزارها ارتباطی و امکان دسترسی به اطلاعات در عرصه های مختلف جهانی، این نوع هویت پذیری گسترش زیادی پیدا کرده است. هر کدام از ما ضمن اینکه به یک کشور تعلق داریم، در شرایط عام تر در جهانی زندگی می کنیم که در برخی از حوزه ها از آن تاثیر می پذیریم. ناگفته پیداست که جهانی شدن در صدد تحلیل هویت های محلی، ملی و منطقه ای در هویت جهانی برآمده و هویت یابی مردمان کشورها را تهدید می کند.

## ب- در هویت یابی محلی - ملی کودکان چه نکاتی باید مورد توجه قرار گیرد؟

هویت محلی بخشی از هویت ملی را تشکیل می دهد. هویت محلی و ملی لازم و ملزوم یکدیگرند. شناخت هویت محلی مستلزم شناخت هویت ملی است و بر عکس. اما در نگاه کلان بین المللی هویت ملی جامع ترین و گسترده ترین هویت هاست. هویت ملی بر ایرانیت و گذشته تاریخ این مرز و بوم در قالب یک تمدن دیرینه بیش از ۳۰۰۰ ساله استوار است. از آنجا که تاریخ، سرزمین مشترک، فرهنگ، زبان، مذهب از شاخصه های اصلی هویت ملی به شمار می روند، هویت اسلامی قاطبه ایرانیان هم که با ورود اسلام به ایران، آغاز شد، بخش عمده ای از این هویت را تشکیل می دهد. از این روی برای هویت یابی محلی - ملی کودکان، بایسته است که به برخی ظرافت های محلی - ملی توجه کرد که این نوع هویت یابی بتواند تاثیر مثبت داشته باشد. به نظر می رسد برخی از این مولفه ها به شرح ذیل قابل توجه اند:

۱- نگاه متوازن به هویت های محلی، ملی و جهانی: به طوری که امکانی برای بازیابی هویت ایرانی از برابند مولفه ای هویت مذکور فراهم آمده و منجر به پاسداشت شاخص های بنیادین این هویت از قبیل: زبان فارسی، خط، پرچم، سرود ملی گردد.



۲- نگاه منصفانه به سهم و جایگاه تاریخ محلی در تقویت تاریخ ملی و جهانی، به منظور مقابله با قومیت گرایهای افراطی و ناکارآمد ساختن تبلیغات آنها.

۳- حفظ تعادل و نسبت جایگاه اسلامیت و ایرانیت از تاریخ محلی تا تاریخ ملی.

۴- خودداری از مطلق اندیشی و یک سونگری های قومی، محلی و ملی در تبیین وقایع تاریخی.

۵- جامعیت نگری در تبیین تاریخ محلی و ملی، به طوری که امکان فهم جایگاه و نقش تاریخ محلی در پیوند و تقویت تاریخ ملی و برعکس.

۶- تبیین جایگاه و نقش فرهنگ های بومی و محلی علی رغم تنوع و تکرر آن به عنوان یک واحد فرهنگی به نام فرهنگ ایرانی به منظور تقویت و همبستگی اجتماعی و فرهنگی جامعه ایرانی.

۷- ارج گذاشتن به میراث فرهنگی، هنری و تاریخی ایرانیان از سطوح محلی تا ملی و از منطقه ای تا جهانی به منظور تقویت خودباوری نسل جوان در مقابل فرهنگ های دیگر.

۸- تلاش برای شناخت و درک عقلانی ماهیت آداب و سنن محلی و ملی به منظور مواجهه انتقادی با رسوم خرافی در جهان مدرن.

۹- معرفی و شناخت مردان و زنان پیشگام و مفاخر محلی و ملی اعم از: بنیانگذاران نظام نوین آموزشی، اداری، اجتماعی، اقتصادی، صنعتی و ... به منظور تجلیل و قدردانی از نام و یاد آنها و الگوسازی برای نسل جوان.

۱۰- طرح تعلق و پیوند تاریخ ایران اسلامی به عنوان یک کشور مسلمان به جهان اسلام به منظور تحکیم مولفه های مشترک اسلامی و فراهم کردن زمینه وحدت کشورهای مسلمان.

۱۱- تبیین نقش ایالات و ولایات در تشکیل و تقویت حکومت های شیعی به خصوص از دوره صفویه در تحکیم تشیع در ایران امروز به منظور پاسداشت نقش و رسالت تاریخی پیامبر و ائمه اطهار.

۱۲- تبیین نقش ایالات و ولایات در تحولات تاریخ معاصر از مشروطه تا انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به منظور پاسداری از راه و رسم پیشگامان آزادی و استقلال از استعمار خارجی و استبداد داخلی.

**ج- کدام مولفه های فرهنگ و تاریخ محلی می تواند برای هویت یابی محلی - ملی مورد بهره برداری قرار گیرد؟**

هویت محلی برآمده از فرهنگ و تاریخ محلی است. از این روی برای شناخت عناصر تاثیرگذار بر هویت محلی، در گام نخست لازم است که تاریخ و فرهنگ محلی را شناخت به علت تنوع و تکرر مباحث و موضوعات ذیل فرهنگ و تاریخ محلی، صاحب نظران این عرصه، در تعریف تاریخ محلی نظرات مختلفی ارائه داده اند. دکتر مرتضی نورایی در تعریفی مختصر «مکان مند شدن موضوع تاریخنگاری» را تاریخ محلی دانسته است. (نورایی، ۱۳۹۱: ۴) ایشان در بخشی دیگر از مصاحبه خود در توضیحی خاطر نشان کرده،



تاریخ محلی دارای سه ضلع انسان، مکان و امور اداری است، این سه مفهوم است که محلّیت را تعریف و تحدید می کنند. (نورایی، ۱۳۹۱: ۱۲) حال آنکه برخی دیگر تاریخ محلی را در مقابل تاریخ عمومی قرار داده و با برشماری برخی محورهای موضوعی آن نظیر پیوند با جغرافیای تاریخی، فضیلت نگاری، تواریخ دودمانی، تاریخ شهرها و... در صدد تعریف آن بر آمده اند (رودگر، ۱۳۹۱: ۲) کما اینکه دکتر حسن آبادی نیز ضمن تاکید بر استوار بودن تاریخ محلی بر موقعیت جغرافیایی، وجه قالب تاریخ محلی در ایران را تاریخ شهری ذکر کرده و آنرا در حکم پایه و ستونی دانسته که بر پایه آن تاریخ ملی کشور ساخته می شود. و تکه های جدول را کامل می کند. (حسن آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸) به تعبیر دیگر تاریخ ملی همچون تکه های پازلی است که تاریخ های محلی قطعات جداگانه این پازل را تشکیل می دهند. بر این اساس جایگاه و اهمیت تاریخ محلی را در پیوند با تاریخ ملی که می تواند جهت هویت یابی محلی - ملی مورد بهره برداری قرار گیرد، به شرح ذیل می توان برشمرد:

۱- هرچند تاریخ محلی ریشه و خاستگاه در محلّیت دارد، ولی این نوع تاریخنگاری نباید مورخ محلی را از قراردادن افق دیدش به تاریخ ملی بازدارد. اصولاً بسیاری از پدیده های محلی ماهیت ملی دارند. مگر ممکن است مورخ محلی درباره توسعه اقتصادی از جمله صنعت استان خویش فارغ از گستره جغرافیایی و جایگاه آن صنعت در چشم انداز ملی، مطلب بنویسد؟ به همین منوال بسیاری از عرصه های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی دامنه ملی و حتی منطقه ای و بعضاً جهانی دارند. بر این اساس می توان تاریخ محلی، تاریخ ملی و منطقه ای و جهانی را همچون دایره های متحدالمرکزی تلقی کرد، که هم بر یکدیگر تاثیر دارند و هم از هم دیگر تاثیر می پذیرند. نمی توان از حافظ، سعدی، مولوی و خیام... سخن گفت، ولی مریدان جهانی آنها نظیر گوته شاعر آلمانی شیفته حافظ را نادیده گرفت. یا حرم امام رضا(ع) در خراسان را نه تنها در عرصه ملی، بلکه باید منطقه ای دید. البته همینجا باید تاکید کرد که گسترده ترین و تاثیرگذار ترین هویت های فرد را باید در عرصه محلی و ملی باید جستجو کرد.

۲- تاریخ محلی نیز از قواعد تاریخ عمومی و ملی پیروی می کند ولی از آنجا که محدوده تاریخ محلی معین است، دقیق تر و جزئی تر مورد ارزیابی قرار می گیرد. از این روی گفته می شود که خرد و جزئیات بسیاری از مسایل کلان را می توان در تاریخ محلی جستجو کرد. لذا این نوع تاریخنگاری پایه و مرجعی برای تاریخ ملی محسوب می شود. این رویکرد امروزه در قالب مکتب تاریخنگاری آنال در غرب جایگاه ویژه ای به دست آورده است. در این مکتب به موضوعات فرعی و جزئی که خارج از دیدرس مورخان کلاسیک قرار می گیرد، توجه خاصی می شود. مثلاً تاریخ فرودستان، تاریخ یک روستا، تاریخ یک حرفه، تاریخ زندگی روزمره اهالی یک حوزه محدود جغرافیایی و موارد مشابه آن. به نظر می رسد این رویکرد تاریخنگاری با عنایت به زیست بوم سنتی، تعدد مشاغل محلی، نگرش های تاریخی و اسطوره ای به گذشته برخی روستاها و ... می تواند مورد توجه دانش آموزان و البته جذابیت مصاعف کتاب درسی تاریخ محلی برای آنان باشد.

۳- تاریخ محلی به گونه ای با استمرار تاریخ مواجه است، که پیش از آنکه به صورت نوشتاری در آید، به صورت غیر نوشتاری نسل اندر نسل به حیات خود ادامه داده است. این استمرار تاریخی در حفظ فرهنگ محلی، اجتماعی شدن افراد و انتقال تجارب محلی به سطح ملی نقش به سزایی دارد. بهره گیری از تجارب به ویژه تجارب که در تاریخ زندگی فردی به دست آمده برای فرهنگ سازی عمومی و یافتن راه حل هایی برای معضلات و بحران های محلی - ملی برای افراد یک کشور اصل مهمی است تا بتواند به هدف های جمعی خود دست یابد. (عاروان، ۱۳۹۱: ۲۸)



۴- تاریخ محلی بیش از سایر تواریخ با انبوه وقایع جزئی و خرد مواجه است. کما اینکه همین رخدادهای جزئی نیز با روایت های گوناگون مواجه بوده و تاریخنگاری محلی می بایست به کار دشوار بررسی و گزینش روایت ها بپردازد، در حالی که تاریخ ملی غالباً با رویدادهای پیراسته و گزینش شده مواجه است. (عاروان، ۱۳۹۱: ۲۸)

البته برای روشن شدن زوایای تاریخ محلی و سایر عرصه های پیوند آن با تاریخ ملی، می توان حوزه مطالعاتی تاریخ محلی را مورد بررسی قرار داد. کما اینکه با بازکاوی حوزه های مورد بررسی تاریخ محلی می توان تمایز و تفکیک آنرا با سایر عرصه های علمی تاریخ مورد ارزیابی قرار داد و چارچوب و محدوده آن را مشخص کرد. دکتر حسن آبادی معتقد است، شکل عمده تاریخ محلی تاریخ شهری است. موضوعاتی مانند: پیشینه تاریخ، وصف کالبد شهری، رجال و بزرگان و توصیف اماکن تاریخ مهمترین محورهای تاریخ محلی اند. بررسی نامبرده از تواریخ محلی حاکی است: «بررسی محتوایی تواریخ محلی به تبع علایق و اطلاعات نویسندگان آنها، ویژگی های: محیطی، انسانی، فرهنگی و تاریخی را در بر می گیرد.» (حسن آبادی، ۱۳۹۱، ۲۰)

همچنین دکتر نورایی در مصاحبه پیش گفته، هشت حوزه یا «طبقه تحقیقی» را ذیل تاریخ محلی به شرح ذیل برشمرده است: ۱- طبیعت شامل محصولات کشاورزی، دامی و ... ۲- جمعیت شناسی اعم از: بحرانهای جمعیتی، خانواده، روابط خویشی، تحرک و ایستایی جمعیت ها یا مهاجرت ها ۳- اقتصادی شامل محورهای نظیر: مالکیت زمین، زراعت، تجارت، صنعت، قیمت ها، دستمزدها ۴- اجتماعی شامل حوزه های مطالعاتی: ثروت و فقر، موقعیت اجتماعی گروه یا طبقات اجتماعی، رفاه و سبک زندگی ۵- سیاسی شامل: قدرت چیرگی بر جامعه، قانون و نظامات، ادارات دینی و دنیوی و نخبگان حاکم. ۶- فرهنگی اعم از: آموزش موسیقی، نمایش ها، اوقات فراغت، خاطرات عامیانه و ادبیات ۷- عقاید شامل: باورداشت ها، ارزش ها، عقاید دینی و فلسفی ۸- اداری، سیستم ادارت، طبقات مستوفیان، شهرداری های و مالیات. (نورایی، ۱۳۹۱: ۱۶) بررسی کلی محوره های مطالعاتی تاریخ نشان می دهد که هر کدام از آنها در سطح کلان در تاریخ ملی نیز مورد بررسی قرار می گیرد. با این تفاوت که در تاریخ محلی این رویکرد با جزئیات بیشتر و ظرافت های محلی نگری همراه است، ولی در تاریخ ملی یا عمومی به طور کلی مورد بررسی قرار می گیرند. از این منظر تاریخ محلی، مشتق است نمونه خروار. به طوری که این تلقی از تاریخ محلی، آن را تا سرحد یک تاریخ عمومی ارتقا می دهد (رودگر، ۱۳۹۱: ۲)

د- از چه راهکارهایی می توان هویت بومی محلی-ملی کودکان را تحکیم بخشید؟

نظام آموزشی مخصوصاً نهاد آموزش و پرورش به دلیل تصدی گری آموزش رسمی کودکان از مقطع پیش دبستانی به بعد، و در اختیار داشتن دوران حساس سنی دانش آموزی می تواند نقش تعیین کننده ای در القای هویت محلی- ملی ایفا کند. اما متأسفانه چنانکه باید و شاید این امر اتفاق نیافتاده و برخی از مولفه های هویتی نادیده گرفته شده و برخی دیگر نیز به طور نامتوازن مطرح شده است. با این احوال در دوره پیش دبستانی می توان با بهره گیری از شیوه های ذیل به تحکیم هویت محلی- ملی کودکان اهتمام ورزید:



## ۱- بازدید از آثار تاریخی محلی:

مدیران و مربیان پیش دبستانی در استان ها و شهرستان ها می توانند با تدوین برنامه هایی، در تحکیم هویت بخشی محلی - ملی کودکان اقدام نمایند. به عنوان نمونه می توان به عنوان یک فعالیت علمی، کودکان را به بازدید از آثار باستانی، مکان های تاریخی، مساجد قدیمی و هر مکانی که به نوعی ماهیت تاریخی دارد، ترغیب نمود.

## ۲- شرکت در آیین های محلی:

برنامه ریزان مراکز پیش دبستانی می توانند با حضور دسته جمعی کودکان در برخی مراسم های محلی اعم از: مذهبی، سنتی و... آنان را با آداب و رسوم بومی محلی خویش آشنا ساخته و به آنها در هویت یابی بومی خویش کمک کنند. کما اینکه می توان طی اعیاد خاص مذهبی در طول سال تحصیلی، تدابیری اندیشید که کودکان در مراسم های ویژه نظیر مراسم عید فطر، عید قربان، عید غدیر و حتی اعیاد ملی شرکت کنند.

## نتیجه گیری

بدون شک ذخیره بزرگ فرهنگی اقوام متنوع و متکثر ایرانی می تواند به عنوان یک فرصت برای هویت یابی بومی تلقی شود. اقوام به عنوان تشکیل دهنده ترکیب ساختار اجتماعی جوامع هر چند با ایفای نقش فرهنگی خود، بر پیچیدگی های اجتماعی افزوده اند، اما قومیت ها با داشتن تراکم ارزشی معینی از میراث فرهنگی خویش، بازیگران عمده عرصه اجتماعی جوامع خود هستند. آنان برای پاسداشت میراث خویش نیازمند امنیت اجتماعی اند. البته در جوامع در حال گذر، هر چند ارزش های سنتی و بومی دچار تزلزل و کسست شده اند، اما با این حال نمی توان از نقش تعیین کننده باورهای اجتماعی در هویت یابی محلی غفلت کرد. این امر در صورت نگرش عقلانی و مبتنی بر مقتضیات زمان و در نظر گرفتن ظرفیت های محلیت می تواند مفید فایده باشد. زیرا اقوام در پرتو سیاستگذاری های کلان مبتنی بر رسمیت بخشی به فرهنگ و میراث آنان و امنیت اجتماعی حاصل از آن، مجرای برای مشارکت سیاسی و توسعه پایدار می یابند. از این روی سیاستگذاری کلان فرهنگی - اجتماعی می باید ناظر بر پوشش همه اقوام اجتماعی باشد، تا بتواند بستر رشد و شکوفایی کلیه پتانسیل های محلی - ملی را فراهم کند. امروزه با گسترش سواد عمومی و رشد آگاهی اجتماع - سیاسی، به خصوص فضای مجازی، نگرش های سنتی و ساختارهای فرسوده فرهنگی، توان پاسخگویی به تحولات جدید و نیازهای روز را ندارد. از این روی فراهم شدن بستری علمی برای فهم و انتقال آیین ها، سنت ها، رسوم و آداب محلی به کودکان این مرز و بوم نخستین گام برای هویت یابی محلی - ملی تلقی می شود.



منابع:

- ۱- اکبری، محمدعلی، تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجاریه و پهلوی اول)، ۱۳۸۴، تهران، انتشارات علمی - فرهنگی،
- ۲- حسن آبادی، ابوالفضل، اردیبهشت ۱۳۹۱، «تاریخ محلی در دوره معاصر»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸، خانه کتاب
- ۳- حسن آبادی، ابوالفضل، ۱۳۸۷، «روش شناسی و موضوع یابی مطالعات شهری در تاریخ شفاهی ایران: مجموعه مقالات پنجمین همایش تاریخ شفاهی ایران»، مشهد، آستان قدس رضوی.
- ۴- حسن آبادی، ابوالفضل، ۱۳۹۳، «درآمدی بر ریخت شناسی محلی نگاری در تاریخ معاصر ایران»، از «مجموعه مقالات همایش بین المللی تاریخ محلی مازندران»، به کوشش علی رضانی پاچی، ساری، هاوژین
- ۵- رودگر، قنبرعلی، اردیبهشت ۱۳۹۱، «چند و چون تاریخ محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸، خانه کتاب
- ۶- عاروان، کامران، اردیبهشت ۱۳۹۱، «نقش و جایگاه تاریخ و تاریخنگاری محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸، خانه کتاب
- ۷- نورایی، مرتضی و ابراهیم موسی پور، اردیبهشت ۱۳۹۱، «سویه های تاریخ محلی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۶۸، خانه کتاب